

رشد اقتصادی منطقه یورو بعد از خروج از بحران اقتصادی اروپا چگونه است؟

بهار امسال پاریس با اعتراضات و اعتصاب‌های سراسری همراه بوده است. این اعتراضات در واقع ابراز مخالفت فرانسوی‌ها به قوانین پیشنهادی جدید «امانوئل مکرون» برای کارفرمایان و کارگران است. منطقه یورو همانند امانوئل مکرون سال خوبی را پشت سر گذاشته است اما اکنون نشانه‌هایی از کند شدن روند خروج اتحادیه اروپا از رکود بزرگ سال‌های بحران اقتصادی اروپا دیده می‌شود. رشد جهانی اقتصاد بعد از رشد همه‌جانبه سال ۲۰۱۷ اکنون رنگ و بوی کاهش گرفته است. اقتصاد ایالات متحده آمریکا و چین دچار رشد شده‌اند و کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند این رشد اقتصادی برای سال‌های ۲۰۱۹ و ۲۰۲۰ هم ادامه خواهد داشت. معلوم نیست که آیا در آینده نزدیک یا دور شاهد یک رکود دیگر باشیم.

گزارش اتحادیه اروپا در مورد روند خروج از بحران اقتصادی اروپا



یورواستات (Eurostat) یا همان آژانس آمار اتحادیه اروپا در گزارشی اعلام کرد رشد اقتصادی منطقه **یورو** در سه ماهه چهارم سال ۲۰۱۷ از ۷/۰ درصد به ۴/۰ درصد در سه ماهه اول سال ۲۰۱۸ کاهش یافته است. این کاهش عادی نیست و حاکی از خبرهای بد است. سال گذشته رشد اقتصادی منطقه یورو ۵/۲ درصد بود که نسبت به قبل سال‌های بحران اقتصادی اروپا که در سال ۲۰۰۷ به ۷/۲ درصد رسیده بود بالاترین رقم دست یافته بود. منطقه یورو نزدیک به یک دهه تلاش کرد تا از بحران اقتصادی اروپا جان سالم به در برد و کندی بازگشت رشد اقتصادی به روند قبلی باعث پرداخت هزینه‌های اجتماعی و سیاسی مثل بیکاری گسترده جوانان، رشد طرفداری از احزاب ملی‌گرا و شیوع اختلافات گسترده میان کشورهای یونان، ایتالیا، اسپانیا، پرتغال و آلمان شده است که آلمان در این میان از پیشتان سیاست‌های ریاضت اقتصادی به شمار می‌رود.

کشوری که بالاترین نرخ تورم را دارند کدامند؟

وقتی گفته می‌شود بعد از گذر از بحران اقتصاد اروپا شاهد کند شدن رشد اقتصادی منطقه یورو هستیم یعنی روند تامین پول‌های تزریقی از «تسهیل کمی» در حال کاهش است و خرید اوراق بهادار از سوی **بانک مرکزی اروپا** از ۸۰ میلیون یورو در ماه به ۳۰ میلیون یورو کاهش یافته است و حتی رئیس بانک مرکزی اروپا در نظر دارد تا ماه سپتامبر سال جاری خرید اوراق بهادار را متوقف کند. از طرف دیگر Peter Praet کارشناس ارشد اقتصادی بانک مرکزی اروپا توصیه می‌کند خرید اوراق بهادار ادامه یابد چون **تورم** منطقه یورو از دستیابی به رقم مورد نظر بانک مرکزی یعنی ۲ درصد بازمانده است.

فقط این دو عامل نگرانی نیستند بلکه شاخص‌های دیگری مثل نقدینگی در گردش یورو در مقایسه با دلار و منفی ماندن نرخ بهره در منطقه یورو هم بر این نگرانی‌ها می‌افزاید. بانک‌های مرکزی اروپایی یک تریلیون یورو بدهی دارند و درآمد واحدهای صنعتی از ابتدای سال ۲۰۱۸ در حال کاهش است. برای مثال آلمان که موتور توسعه اقتصادی اروپا محسوب می‌شود صادرات خارجی آن در سه ماه اول ۲۰۱۸ بعد از سه سال رشد شاهد کاهش بود.

در همین حال، اصلاحات ساختاری در فرانسه و اسپانیا باعث رشد در این کشورها شده است و اقتصاد کشورهای شرق اروپایی هم در وضعیت مناسبی هستند. اما با توجه به آنچه در ابتدا گفته شد اقتصاد منطقه یورو وابستگی زیادی به خرید اوراق بهادار و تزریق پول دارد و این جدای از مساله تغییر شرایط برای حفظ رشد بلند مدت است و در واقع مشکل اصلی عدم وجود سیاست‌های مشترک در اتحادیه اروپا و همینطور مدیریت ناصحیح بانک مرکزی اروپا است.



تا پیش از بحران اقتصادی اروپا رهبران سیاسی منطقه یورو می‌گفتند یورو بزرگتر از آن است که به راحتی شکست بخورد. بعد از بحران اقتصادی اروپا مشخص شد که چشم‌انداز مشترک اتحادیه فقط ارز مشترک بوده است و نه یک مرکز سیاست‌گذاری پس به همین دلیل باید همه برای کمک یورو تلاش کنند. بعد از بحران یورو جان سالم به در برد اما نبود تغییر در سیاست کشورهای موثر نتوانست باعث یک تغییر ساختار اقتصادی شود. طرح‌هایی مثل تسهیل ثبات مالی اروپا (EFSF) هم که در سال ۲۰۱۰ ایجاد شد برای وام دادن به کشورهای اتحادیه یک درمان موقتی بود.

در صورت وقوع بحران اقتصادی کدام ایالت های آمریکا در امان خواهند بود

ماکرون در ماه می سال ۲۰۱۷ پیشنهاد تاسیس وزارت اقتصاد اتحادیه اروپا را مطرح کرده بود، وزارتی که قدرت کافی برای انتقال ارز از بانک مرکزی به کشورهای عضو داشته باشد. با توجه به ذخیره ارزی آلمان پس منبع اصلی این تامین همان آلمان باید باشد و آلمان است که قدرت کنترل بانک مرکزی را خواهد داشت و البته که فرانسه هم خواستار فرانسوی بودن وزیر اقتصاد خواهد بود. این همگرایی آلمان و فرانسه از جهاتی می‌تواند موجب همسویی اعضا به سیاست‌های مشترک شود. آنگلا مرکل هم در ابتدا به این ایده علاقه‌ای نداشت اما بعدها هم وقتی مطرح می‌شد آن را به طور کلی رد نمی‌کرد.

از سال ۲۰۰۸ به بعد هنوز اروپا نتوانسته است به سیاست‌های واحدی در حوزه اقتصاد دست پیدا کند. از طرف دیگر دولت کشورهای عضو هم نتوانسته‌اند خواسته‌های رای

دهندگان را پاسخ دهند. همه این عوامل باعث شده منطقه یورو با کندی اجتناب ناپذیر رشد اقتصادی بعد از پشت سر گذاشتن بحران اقتصادی اروپا مواجه شود.

نویسنده: حسین بابایی